

به نام خالق پیدا و پنهان
که پیدا و نهان داند به یک سان

Wolff, Michael	ولف، مایکل، ۱۹۵۳ - م.	سرشناسه
آتش و خشم؛ درون کاخ سفید ترامپ / نویسنده: مایکل ولف؛ مترجم: یاسین قاسمی.		عنوان و نام پدیدآور
تهران: تیسرا، ۱۳۹۷.		مشخصات نشر
۳۹۹ ص؛ ۲۱×۱۴/۵.		مشخصات فیزی
تیسرا؛ شماره نشر ۲۵۳. کتاب پولیتیا؛ ۳۲.		فروست
۳۹۹۰۰ ریال؛ 978-600-8942-38-2		شابک
		وضعیت فهرست نویسی
Fire and Fury: Inside the Trump White House, ۲۵۳ ص؛ ۲۱×۱۴/۵.	عنوان ملی؛ ۲۵۳ ص؛ ۲۱×۱۴/۵.	یادداشت
ترامپ، دونالد، ۱۹۴۶ - م.		موضوع
Trump, Donald		موضوع
بنون، استیون		موضوع
Cannon, Stephen K.		موضوع
روای جمهور - ایالات متحده.		موضوع
Presidents - United States		موضوع
روای جمهور - ایالات متحده - سوابق.		موضوع
Presidents - United States - Staff		موضوع
ایالات متحده - سیاست و حکومت - ۲۰۰۹-۲۰۱۷.		موضوع
United States - Politics and Government - 2009-2017		موضوع
ایالات متحده - سیاست و حکومت - ۲۰۱۷ - م.		موضوع
United States - Politics and Government - 2017-		موضوع
قاسمی، یاسین، ۱۳۶۷ - م. مترجم.		شناسه افزوده
چ ۱۳۹۷ و ۸۱۲ / ۹۱۲ E		رده بندی کنگره
۹۷۳/۹۳۳.۹۲		رده بندی دیویی
۵۰۹۹۹۳۶		شماره کتابشناسی ملی

آتش و خشم: درون کاخ سفید تراپ

نویسنده: مایکل ولف

مترجم: یاسین قاسمی

ویراستار محتوایی: امیر غلام پور

مدیر تولید: فاطمه شهبازی

چاپ یکم: بهار ۱۳۹۷

شماره نشر: ۲۵۳

صفحه آرا: سیده امری

لیتوگرافی: البرز نوین، چاپ: عطا، صحافی: ساغر مهر

ناظر فنی چاپ: سعید صادقی

تعداد: ۱۰۰۰ نسخه

قیمت: ۳۹۹۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۹۴۲-۳۸-۲

فهرست

۱۵	پیشگفتار
۱۹	مقدمه: ایران و بانو
۳۱	فصل ۱: روز انتخابات
۴۶	فصل ۲: برج ترامپ
۷۵	فصل ۳: روز اول
۹۱	فصل ۴: بانو
۱۱۰	فصل ۵: جاروانکا
۱۳۲	فصل ۶: در خانه
۱۴۷	فصل ۷: روسیه
۱۶۶	فصل ۸: نمودار سازمانی
۱۸۹	فصل ۹: سیبک
۲۰۶	فصل ۱۰: گلدمن
۲۱۷	فصل ۱۱: شنود
۲۳۰	فصل ۱۲: عزل و انتصاب
۲۴۶	فصل ۱۳: جنجال‌های بانو
۲۶۸	فصل ۱۴: اتاق بحران
۲۷۱	فصل ۱۵: رسانه
۲۸۹	فصل ۱۶: کومی
۳۰۱	فصل ۱۷: سیاست‌های داخلی و خارجی
۳۱۸	فصل ۱۸: بانو

فصل ۱۹: میکا کیست؟	۳۳۱
فصل ۲۰: مک‌مستر و اسکاراموچی	۳۴۸
فصل ۲۱: بانون و اسکاراموچی	۳۶۱
فصل ۲۲: ژنرال کلی	۳۷۴
فصل ۲۳: کلام پایانی: بانون و ترامپ	۳۸۹

پیشگفتار

دلیل نوشتن این کتاب نمی‌تواند واضح‌تر از این باشد. با تحلیف دونالد ترامپ در تاریخ ۲۰ ژانویه ۲۰۱۷، ایالات متحده آمریکا به یکی از عجیب‌ترین طوفان‌های سیاسی، مبتدیان و از زمان واترگیت، وارد شد. با نزدیک شدن به این روز تصمیم گرفتم تا این داستان را به امروزی‌ترین شکل ممکن تعریف کنم و تلاش کنم زندگی سر کاخ سفید ترامپ را از دیدگاه نزدیک‌ترین افراد به او بررسی کنم.

این کتاب در ابتدا قرار بود گزارشی ۱۰۰ روزه دولت ترامپ، یعنی سستی‌ترین نشانگر ریاست جمهوری باشد، اما حوادث مختلف بدون هیچ وقفه طبیعی‌ای به مدت بیش از ۲۰۰ روز ادامه یافتند و اولین پرده نمایش ریاست جمهوری ترامپ با انتصاب ژنرال بازنشسته، جان مایر، به عنوان رئیس ستاد در اواخر ماه ژوئیه، و خروج استراتژیست اصلی، ایو پوتن، سه هفته بعد از آن پایان یافت.

رویدادهایی که من در این صفحات شرح داده‌ام براساس گفت‌وگوهایی صورت گرفته‌اند که در یک دوره زمانی ۱۸ ماهه با رئیس‌جمهور و دست‌اندرکاران او (که تعدادی از آن‌ها چندین بار با من گفت‌وگو داشتند) و همچنین بسیاری از دیگر افرادی که کارکنان ارشد رئیس‌جمهور با آن‌ها صحبت کرده بودند انجام شده است.

نخستین مصاحبه بسیار قبل از آن انجام شده بود که من حتی در عالم تصور بتوانم ترامپ را در کاخ سفید بنشانم، چه رسد به اینکه بخواهم کتابی هم درباره آن به رشته تحریر درآورم. این مصاحبه در اواخر ماه می ۲۰۱۶ در خانه ترامپ در بورلی هیلز صورت گرفت. کاندیدای ریاست جمهوری درحالی که یک پاینت از مشروب وانیلی هاگن داتز^۱ را می نوشید با خوشحالی و فراغ بال درباره طیف وسیعی از موضوعات اظهار نظر می کرد، درحالی که دستیارانش هوپ هیکس، کوری لوادونسکی و جارد کوشنر مدام در حال رفت و آمد در اتاق بودند.

منی که همچنان تصور برگزیده شدن ترامپ به سختی امکان پذیر بود گفت: «گواه با اعضای تیم کارزار انتخاباتی او از طریق مجمع جمهوری خواهان در کلیونتا می نمایم». آن ها با همراهی استیو بانون خوش صحبت به برج ترامپ نقل مکان کردند. قبل از انتخابات، یعنی زمانی که او هنوز یک اعجوبه سرگرم کننده به نظر می رسید، و همچنین بعد از انتخابات، هنگامی که همچون یک معجزه گر عمل کرد.

در فاصله زمانی کمی بعد از زانویه من چیزی مانند یک مقر نیمه دائم را در عمارت غربی مربوط به رؤسای کاخ سفید به دست آوردم و از آن زمان بیش از ۲۰۰ مصاحبه انجام دادم.

دولت ترامپ خصومت با مطبوعات را بسیارست مجازی خود تبدیل کرده است، اما در سالیان اخیر از هر دولت دیگر در کاخ سفید نسبت به رسانه ها بازتر عمل کرده است. در ابتدا من خواستار دسترسی رسمی به کاخ سفید شدم، چیزی در حد یک ناظر نامحسوس. خواستار دسترسی جمهوری از این ایده استقبال کرد. اما با در نظر گرفتن قلمروهای پر شمار وجود در کاخ سفید، که در تناقض با روزهای اولیه دولت بود، به نظر می رسید که هیچ کس قادر به انجام این کار نیست. اما در عین حال کسی هم از من نخواست تا آنجا را ترک کنم. از این رو من بیشتر از یک مهمان دعوت شده به یک مزاحم ثابت

تبدیل شدم (چیزی درست مانند همان ناظر نامحسوس) که زیر بار هیچ مقرراتی نرفتم و هیچ تعهدی درقبال آنچه که قرار است نوشته یا حذف شود قبول نکردم.

بسیاری از گزارش‌های مربوط به وقایع کاخ سفید با یکدیگر متناقض‌اند و بسیاری، به سبک و سیاق خود ترامپ، گستاخانه نادرست‌اند. این تناقضات و این بی‌قیدی درقبال حقیقت، اگر نگوییم درقبال خود واقعیت، رشته اساسی این کتاب را تشکیل می‌دهند. گاهی اوقات من به بازیکنان اجازه دادم تا نسخه خود را از حقیقت ارائه دهند و بعد از آن این فرصت را در اختیار خواننده قرار دادم تا خود به قضاوت بنشیند. در موارد دیگر من از طریق مشاهده یکپارچگی در گزارش و همچنین منابعی که به آن‌ها اعتماد داشتم، به نسخه‌ای از اتفاقات رسیدم که معتقدم درست است.

بعضی از منابع من در شرایط به اصطلاح پس‌زمینه عمیق^۱ که در کتاب‌های سیاسی معاصر یک بحث محبوب می‌شود، با من گفت‌وگو داشتند. این شیوه به شرح و توصیف وقایع از زبان شاهدان بی‌نام می‌پردازد. علاوه بر این، من به مصاحبه‌های ضبط‌نشده و محرمانه نیز مکتبی بودم که به منبع من اجازه می‌داد تا نقل قول‌های مستقیمی را با در نظر گرفتن این نکته که هیچ‌گونه استنادی به او وجود نخواهد داشت، ارائه دهد. منابع دیگر من با این شرط صحبت کردند که مطالب موجود در مصاحبه‌ها تا قبل از انتشار کتاب علنی نشود. در نهایت، برخی دیگر از منابع صریح و مستقیم و به صورت علنی با من به گفت‌وگو نشستند.

در عین حال لازم است به برخی از مسائل ژورنالیستی^۲ اشاره کنم که هنگام سروکله زدن با اعضای دولت ترامپ با آن‌ها روبه‌رو شدم. بسیاری از آن‌ها حاصل نبود پرونده‌های رسمی در کاخ سفید، و همچنین بی‌تجربگی مدیران آن بود. برخی از این چالش‌ها عبارت بودند از: مواجهه با برخی از مطالب ضبط‌نشده محرمانه و پس‌زمینه عمیقی که بنا بود محرمانه بمانند، اما

گاه به گاه علنی می‌شدند و درز می‌کردند؛ منابعی که گزارش‌های خود را به صورت محرمانه ارائه داده بودند اما بعدها آن‌ها را به صورت گسترده‌ای به اشتراک گذاشتند، گویی پس از ارائه اظهاراتشان در مرحله اول، احساس رهایی کردند؛ بی‌توجهی مکرر به تعیین هرگونه شاخصی برای به کارگیری گفت‌وگوها؛ مشهور بودن دیدگاه‌های یک منبع، آن‌چنان‌که همگان از آن مطلع بودند و محرمانه نگاه داشتنش عملی احمقانه جلوه می‌کرد؛ همچنین به اشتراک‌گذاری مخفیانه و بازگویی حیرت‌آور مکالمات خصوصی و محرمانه به دست آمده با شیوه پس‌زمینه عمیق. در سرتاسر این داستان صدای کنترل‌نشده، خستگی‌ناپذیر و ملال‌آمیز رئیس‌جمهور به گوش می‌رسد، خصوصی یا عمومی، آشکار یا پنهان.

به هر دلیل، تمام افرادی که با آن‌ها تماس برقرار کردم (اعضای ارشد کارکنان کاخ سفید و اصران متعهد آن) زمان زیادی را با من گذراندند و تلاش فراوانی را برای کمک به آش‌ارسازی ماهیت منحصر به فرد زندگی در کاخ سفید ترامپ به نمایش گذاشتند. رنهایت آن‌ها به من شاهدش بودم و آنچه که موضوع اصلی این کتاب را سبب می‌دهد گروهی از افراد بودند که هر یک به شیوه خود تلاش داشتند تا با معنای کار برای دونالد ترامپ کنار بیایند. من شدیداً به این افراد مدیون هستم.